

خشونت در تاریخ معاصر^۱

امیر طبرانی

اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير .الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق (سوره حج)
بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی به طور انتزاعی و خارج از ظرف زمانی آن به ویژه در دورانی که گفتمان اجتماعی تغییر یافته و گفتمان جدید در رابطه و متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مطرح شده است از اساس امری قابل تأمل است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که مفاهیم اجتماعی می توانند از گستره معنایی وسیعی برخوردار باشند. از همین رو وقتی درباره آن ها بحث و بررسی صورت می پذیرد باید نسبت به این گستره و نیز تفاوت قائل شدن میان آن ها دقت داشت .

از جمله همین مفاهیم است مفهوم ترور و بیشتر از آن مفهوم خشونت که از گستره بسیار زیادی برخوردار است . از آنجا که صلح و دوستی و سلم آمیخته با فطرت بشری است لذا در نزد عموم طرح مفاهیمی نظیر ترور یا خشونت و نظایر آنها بلافاصله در ذهن خواننده یا شنونده مفاهیمی ناخوشایند را به ذهن متبادر می کند و صد البته که باید هم اینچنین باشد .

ولی برای قضاوت صحیح در باره یک اقدام گرچه ناخوشایند هم باید توجه داشت که این اقدام ناخوشایند در چه فضایی و در چه زمان و مکانی و تحت چه شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... رخ داده است و آن گاه درباره آن داوری کرد .

به همین دلیل چنین به نظر می رسد که اصولاً زاویه ورود به این بحث با سوال در خصوص آثار مترتب بر ترور ناصرالدین شاه و در پی آن دو نمونه از خشونت های صورت گرفته در دوران مشروطه یعنی ترور آیت الله بهبهانی و یا اعدام شیخ فضل الله نوری، بدون اشاره به سایر موارد و نیز بدون ورود به دلایل زمینه ها و علل و عوامل پیدایش خشونت در جامعه ایران صحیح و درست نیست .

ترور ناصرالدین شاه قاجار در آستانه پنجاه سالگی سلطنت وی به وقوع پیوست . در طول آن پنجاه سال حکومت شاه شهید و پنجاه سال پیش از آن (دوران سلطنت فتح‌لیشاه و محمدشاه قاجار) چه بر سر ایران و ایرانی رفته بود که فردی همچون میرزا رضا کرمانی را به آنجا رساند تا دست به اسلحه برده و ضل‌الله را در صحن حضرت عبدالعظیم هدف قرار دهد . آیا نیازی نیست که به ستم های رفته بر مردم این دیار در آن صدها سال اشاره کنیم . آیا نیاز به یادآوری است که در جریان قیام تنباکو به دستور همان شاه ترور شده چگونه مردم را در شیراز و تبریز و اصفهان و ... گلوله بستند .

آیا نباید به خاطر داشته باشیم که چگونه میرزاتقی خان امیر کبیر که سودایی جز ترقی و پیشرفت ایران و رفاهو آسودگی ایرانی را در سر نمی پروراند را در حمام فین به قتل رساندند و در پی آن میرزا حسین خان سپهسالار که او نیز برنامه هایی اصلاحی در سر داشت (سواى اشتباهات و خطاهایش) از کار برکنار ساختند

و کسانی همچون میرزا آقاخان نوری و امین السلطان و عین الدوله ها را برگرده مردم حاکم ساختند تا با واگذاری امتیازات و فروش دارایی های ایران برای دریافت وام از روس و انگلیس جهت سفر به اروپا مردم ایران را به خاک مذلت بکشانند .

در محرم سال 1285 ش به دنبال دستگیری یک واعظ ابتدا یک طلبه در جریان اعتراض طلاب کشته می شود و فردای آن روز در جریان تشییع جنازه وی به نوشته ناظم الاسلام کرمانی قزاق ها 22 تن را کشته و بیش از یک صد تن را زخمی می کنند . یک سال بعد از صدور فرمان مشروطه نیز به دستور محمدعلی شاه لیاخوف روس مجلس را با توپ هدف قرار داد. بسیاری در طول یک سال استبداد صغیر به دست قزاق ها در خیابان به گلوله بسته شدند و برخی نیز همچون ملک المتکلمین و صوراسرافیل و یحیی میرزا اسکندری به دار اویخته شدند . ستارخان و باقرخان را به همراه یارانشان با لطایف الحیل به تهران کشاندند و درپارک اتابک محاصره و سپس گلوله باران کردند تا استبداد متکی به استعمار ، مشروطه را از یاران اصیل و واقعی خود محروم سازد .

اری خشونت امر زشت و ناپسندی است اما باید به خاطر داشت که خشونت تنها در ترور و خشونت فیزیکی آن هم از سوی مردم محدود نمی شود . بدترین نوع خشونت ظلم و ستم حاکمان بر مردمی است که جز خدا پناهی برای خود نمی بینند .